

مجله خبری - تحلیلی

ایران معاصر

شماره ۳۲

می ۲۰۱۴



مجله خبری - تحلیلی

ایران معاصر

شماره ۳۲

می ۲۰۱۴

هیئت تحریریه

سردبیر: رجب صفروف

سروراستار: ایگور پاتکراتینکو

الکساندر پروخانوف

سرگی بابورین

دمیتری روریکوف

ویتالی تریتیاکوف

حیدر جمال

ماکسیم شیفچینکو

آدرس تحریریه: مسکو، خیابان کورووی وال، شماره ۷

تصاویر گرفته شده از

ایتارتاس، ریانووستی، ریا ایران رو

فهرست مطالب

روسیه در مبارزه خود با تحریم ها به تجربه ایران
احتیاج دارد.....۹

روسیه - ایران احیای همکاری نظامی
فنی.....۱۳

چکیده مطالب.....۲

یرامون نتایج دیدار الکساندر نواک از
تهران.....۵

چکیده مطالب

همه تحولات مبرم و پر اهمیت پیرامون جمهوری اسلامی، موضوع اساسی و اصل مطالب شماره جدید سی و دوم مجله سیاسی «ایران معاصر» چاپ روسیه را تشکیل می دهد. این شماره مجله چند روز پیش به زبان روسی از زیر چاپ در آمد. تحولات و رویدادها زیاد بوده ولی با این وجود، جستجوی فشرده قالب های بهینه برای شراکت بین تهران و مسکو، باید گرایش اساسی محسوب شود. پایه های مناسبات جدید بین دو کشور بدون عجله و با پیگیری تمام پی ریزی می شود که این روابط معماری جدید امنیت و همکاری های اقتصادی در فضای عظیمی از خلیج فارس تا آسیای میانه و چین را تشکیل می دهد .



اجلاس سران نهادهای سیاست خارجی کشورهای ساحلی (روسیه، جمهوری اسلامی ایران، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان) روز ۲۲ آوریل در مسکو تشکیل شد. هدف این اجلاس وزیران خارجه، هماهنگی جنبه های حقوقی بهره برداری از دریای خزر بود ولی معلوم شد که رایزنی های جدید برای هماهنگ کردن موافقتنامه تمام عیار لازم است. مقاله «اجلاس آستراخان و انتظارات کشورهای ساحلی خزر» که این شماره مجله را افتتاح می کند، به اختلاف نظرها و راه های برطرف کردن آنها اختصاص یافته است.

سفر الکساندر نواک وزیر انرژی روسیه به تهران و مذاکراتی که وی در ایران انجام داد، با واکنش دو پهلوی محافل کارشناسی روبرو شد. بدبینان با نومییدی خاطرنشان کردند که «قرارداد بزرگ نفتی» هنوز به امضا نرسیده است در حالی که خوشبینان طرح مشترک جدید در زمینه ساخت نیروگاه های حرارتی و برق آبی و به روز آوری کامل شبکه های نیروی برق ایران را در مرکز توجه خود قرار دادند. در مطلبی تحت عنوان «پیرامون نتایج دیدار الکساندر نواک از تهران» همچنین آمده است: «ولی وضعیت حقیقی روابط روسی- ایرانی دقیقاً بینابین توقعات بیش از حد و بدبینی بیش از حد، در مرحله لغایت سازنده و کاری قرار دارد.»

ولی جو خارجی پیرامون روسیه شدت می یابد که این تقصیر موضع گیری تجاوزکارانه غرب است که از تجدید اتحاد کریمه با روسیه ناراضی است. خطر اعمال تحریم ها علیه روسیه در آفاق سیاسی پدید آمده است. ولی چه کسی بهتر از جمهوری اسلامی می تواند در جهان معاصر نه تنها با تحریم های آمریکایی مقابله مؤثری بکند بلکه در عین حال از کاهش نرخ رشد اقتصادی جلوگیری کند. در مقاله هیأت تحریریه «ایران رو» تحت عنوان «روسیه در مبارزه خود با تحریم ها به تجربه ایران احتیاج دارد» آمده است: «ایالات متحده در شرایط جاری بیشتر از تحریم ها تا از فشار سنتی دیپلماتیک، عملیات سرویس های ویژه، عملیات جنگی و هشدار از توسل به زور استفاده می کند. ایران در این زمینه از تجربه موفقیت آمیز مقابله با فشار غرب برخوردار است که این تجربه باید مورد تقاضای مسکو قرار گیرد.»

ملاقات وزیران دفاع ایران و چین در پکن در چارچوب گسترش همکاری در زمینه امنیت و دفاع نظامی، گام مهمی در جهت تأمین ثبات هر دو کشور و برطرف کردن نگرانی‌های مشترک در رابطه با گسترش افراطی گری و تروریسم شده است. پکن در طول ده سال اخیر یکی از شرکای اساسی سیاسی، اقتصادی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران بوده و به همین علت گسترش همکاری‌های دوجانبه همیشه برای هر دو کشور اهمیت عظیمی داشته است. جزئیات امر در مطلب «ایران، چین و ویژگی دفاعی راه ابریشم در هزاره سوم» تشریح شده است.

رزمایش نظامی اواخر ماه گذشته عربستان سعودی توسط اکثر کارشناسان از زاویه بازدارندگی سعودی‌ها از خطر از سوی ایران ارزیابی شد. اظهارات ژنرال‌های بزرگترین پادشاهی خلیج فارس و نمایش بعضی وسایل جنگی از زرادخانه‌های عربستان سعودی به طور غیر مستقیم به این واقعیت اشاره کرد. به گفته حسن ابن عبدالله القبیل رئیس ستاد کل عربستان، هدف این رزمایش، ارتقای سطح آمادگی و آزمایش امکانات نیروهای مسلح در زمینه بازدارندگی از تجاوز بود. خاندان آل سعود مانند سابق ایران را احتمالی‌ترین دشمن خود تلقی می‌کند. این موضوع و ویژگی‌های دیگر خطرات جنگی ناشی از عربستان سعودی در مقاله «نمایش زور نظامی عربستان سعودی: ایران تنها هدف آن نیست» تشریح شده است.

ماه می، زمان تماس‌های فعال دیپلماتیک ایران با همسایگان آن در منطقه بود. به عنوان مثال، دیدار نواز شریف نخست وزیر پاکستان از ایران با مرحله تلاش‌های همه‌بازیرگان کلیدی خاور میانه برای پیدا کردن امکانات جدید جهت پیشبرد مواضع منطقه‌ای خود مصادف شد. سدهای قبلی بر سر راه برقراری روابط بین دولت‌ها به تدریج از سکه می‌افتند. رژیم تحریم‌های ضد ایرانی تا کنون تضعیف شده و انتظار می‌رود که بیش از این تضعیف شود. هیچ‌یک از همسایگان بزرگ ایران و از جمله عربستان سعودی و نزدیک‌ترین شرکای منطقه‌ای آن که مخالفان سنتی ایران هستند، حاضر نیستند از خیر این فرصت مغتنم برای بهبود روابط با تهران بگذرند. مطلب تحت عنوان «مثلث ایران - پاکستان - عربستان سعودی: گوشه‌های تیز صاف می‌شوند» به جزئیات و ریزه‌کاری‌های اوضاعی که به وجود می‌آید، اختصاص دارد.

بیانیه سرگئی شویگو و حسین دهقان وزیران دفاع روسیه و ایران مبنی بر اینکه «روسیه و ایران با عنایت به اوضاع سیاسی که در جهان به وجود آمده است، به توسعه همکاری‌های نظامی و نظامی فنی ادامه خواهند داد» که هفته گذشته در جریان ملاقات دوجانبه آنها در قالب کنفرانس بین‌المللی امنیت مسکو بیان شد، به یک خبر هیجان‌انگیز واقعی تبدیل گردید. همکاری نظامی فنی که توسط وزیران دفاع روسیه و ایران اعلام شد، هم برای مسکو و هم برای تهران ضرورتی مبرم است زیرا اندیشه ساده‌ذیل به ذهن حتی مردم عادی و ناآگاه به سیاست‌خطور کرده و آن این است که روسیه و ایران بدون شراکت تنگاتنگ و تعامل در زمینه‌های مختلف اعم از اقتصاد تا امور دفاعی و مبارزه با جنایات بین‌المللی، خسارات جدی متحمل خواهند شد. برای آگاهی به چشم‌انداز و ویژگی‌های گفتگوی فعلی نظامیان دو کشور به مقاله «روسیه - ایران: احیای همکاری نظامی فنی» مراجعه فرمایید.

دیدار حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران از چین اساس گسترش طیف اقدامات دیپلماتیک دولت فعلی جمهوری اسلامی را فراهم کرده است. رئیس‌جمهور مدتی قبل از این سفر از گرایش جدید در سیاست خارجی دولت اطلاع داده بود. وی در یکی از مصاحبه‌های تلویزیونی اخیر خود ضمن اشاره به امور دیپلماتیک، ناگهان اظهار داشت که ایران در صدد است بنای همکاری جدید با دو قدرت شرقی روسیه و چین را بگذارد. این بیانات روحانی غرب را که خیال می‌کرد که رئیس‌جمهور ایران سیاستمدار میانه‌رو و تقریباً غرب‌گرای است، غافل‌گیر کرد. اگر هدف تیم سیاست خارجی روحانی حد اقل در میان مدت

لغو تحریم ها از سوی بلوک غرب باشد، آیا این آرزوی طرفداران رئیس جمهور ایران در شرایط اقداماتی که همزمان با سفر به چین اعلام شد، تحقق خواهد یافت؟ نویسنده مقاله «سیاست روحانی، حرکت به سمت شرق بدون دشمنی با غرب است»، سعی می کند به این سؤال پاسخ دهد.

مذاکرات نمایندگان ایران با مسئولین چین و روسیه در حالی شروع شد که جمهوری اسلامی طی شش ماه اخیر در چارچوب ملاقات های منظم با دیپلمات های غربی در ژنو و وین موفق نشده است حد اقل اعتماد نسبی اتحادیه اروپا و ایالات متحده را به خود جلب کند. تجربه سال های گذشته به ایران یاد داده است از منوط کردن سرنوشت خود به خشم یا رحم قدرت های دیگر خودداری کند ولی جهان معاصر قوانین دیگری را دیکته می کند که مهمترین آنها ناظر بر داشتن شرکا و متحدان است. در واقع، ماهنامه «ایران معاصر» که شما همین امروز می توانید شماره جدید سی و دوم آن را مطالعه کنید، به همین هدف اساسی یعنی به برقراری روابط شراکت و هم پیمانی بین دو کشورمان توجه اساسی مبذول می دارد.

پیرامون نتایج دیدار الکساندر نواک از تهران

سفر الکساندر نواک وزیر انرژی روسیه به تهران و مذاکراتی که وی در ایران انجام داد، با واکنش دو پهلوی محافل کارشناسی روبرو شد. بدبینان با نومییدی خاطر نشان کردند که «قرارداد بزرگ نفتی» هنوز به امضا نرسیده است در حالی که خوشبینان طرح مشترک جدید در زمینه ساخت نیروگاه های حرارتی و برق آبی و به روز آوری کامل شبکه های نیروی برق ایران را در مرکز توجه خود قرار دادند.



ولی وضعیت حقیقی روابط روسی - ایرانی دقیقاً بینابین توقعات بیش از حد و بدبینی بیش از حد، در مرحله لغایت سازنده و کاری قرار دارد. به نظر می آید که واکنش رسمی واشنگتن که همه حرکات مسکو و تهران به سوی همدیگر را رصد می کند، دقیق ترین نشانگر سطح واقعی روابط روسی - ایرانی می باشد. روشن است که خط سیاسی شکل گرفته مسئولین دو کشور در جهت برقراری شراکت راهبردی باعث انزجار آشکار محافل حاکم بر ایالات متحده می شود، چه رسد به طرح های مشترک اقتصادی که واشنگتن را دچار حالت نیمه هیتسریا می کند.

نکته جالب توجه این است که با وجود ابتکارات «صلح جویانه» ایالات متحده در حق ایران که توسط دولت باراک اوباما اعلام می شوند، نمایندگان رسمی این دولت تا کنون هرگز - هرگز! - اعلام نکرده اند که دکترین جرج بوش پسر که در چارچوب آن جمهوری اسلامی ایران کشوری مطرود و عضو محور شرارت اعلام شد، به عنوان اشتباه سیاسی شناخته شده است. مسکوت شدن این نکته توسط مسئولین دولتی و رسانه های گروهی قابل درک است زیرا اصل اعلام کشور مغضوب یا شخصیت سیاسی مغضوب به عنوان «مطرود» (و همه تبعات اقتصادی و سیاسی این اقدام) از بین نرفته است. ایالات متحده سر فرصت مناسب این اصل را از زرادخانه سیاست خارجی خود بیرون کشیده و به طور فعال به کار می گیرد.

تحریم های ضد ایرانی لغو نشده بلکه فقط به تعویق افتاده است. امروزه در رسانه های گروهی غرب به طور آشکار امکان اعلام روسیه به عنوان کشور مطرود بررسی می شود. در این شرایط این واقعیت قابل فهم می شود که طرح های مشترک مسکو و تهران که دو اقتصاد در حال رشد سریع هستند، باعث ناراحتی آشکار واشنگتن می شوند زیرا کارآیی مهمترین «اسلحه غیر مرگبار» آمریکا یعنی رژیم تحریم ها را در معرض خطر می گذارد. گفتنی است که آمریکا تحریم ها را به ابتکار خود و بدون توجه به موازین حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل علیه کشورهای دیگر اعمال می کند.

ارزیابی اساسی رسانه های گروهی غرب از نتایج سفر الکساندر نواک وزیر انرژی روسیه به تهران حاکی از آن بود که طرح جدید ایرانی - روسی ایجاد «پل انرژی» بین دو کشور که آذربایجان هم بدان جلب می شود، همراه با «قرارداد بزرگ نفتی» از یک سو، راهبرد دولت باراک اوباما در جهت مجازات اقتصادی مسکو در ازای کریمه و تمام اوکراین را عقیم می گذارد و از سوی دیگر، دور برنامه های واشنگتن در جهت سوء استفاده از تحریم های ضد تهران جهت اعمال نفوذ در موضع گیری ایران در قبال برنامه های هسته ای و موشکی خط بطلان سیاهی می کشد.

«قرارداد بزرگ نفتی»

این دو طرح که بدون اغراق می‌توانند طرح‌های عظیم اقتصادی محسوب شوند، به سنگ قبر بالای طرح‌های غربی در جهت انحصاری کردن بازار ایرانی و استفاده از اهرم‌های اقتصادی برای اعمال فشار بر تهران تبدیل شده‌اند. همزمان برنامه‌های به فروپاشی کشاندن بودجه روسیه از طریق متنوع کردن واردات انرژی و بر کنار کردن مسکو از مقام کنشگر با نفوذ منطقه خاور میانه و آسیای مرکزی به زباله دان می‌رود.

پایگاه اطلاع‌رسانی «ایران رو» در باره «قرارداد بزرگ نفتی» که حجم آن معادل ۲۰ میلیارد دلار و ۵۰۰ هزار بشکه نفت ایرانی در روز برآورد می‌شود (که روسیه به وسیله محصولات صنعتی و خدمات مهندسی این نفت را پرداخت خواهد کرد) مطالب بسیار مفصلی درج کرده است. تنها علت امضا نشدن این قرارداد تا کنون این بوده است که دستگاه‌های دولتی دو کشور موفق نشدند به سرعت حجم عظیم هماهنگی‌های گوناگون را به عمل آورند. «بدنه» این قرارداد مستلزم حدود ۹۰۰ امضای وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلف بر روی متن اساسی و پروتکل‌های الحاقی است که طرفین روس و ایرانی به دلایل مختلف موفق نشدند طی مدت نسبتاً کوتاهی این کار را انجام دهند.

ولی مسأله تا آن حد بحرانی نیست که ممکن است به نظر برسد زیرا انعقاد قرارداد تنها نصف کار است ولی نصف دیگر شامل تدارک منابع، ظرفیت‌های تولیدی و اجرایی دیگر است که در شرایط اقتصاد مبتنی بر اصول بازار کار ساده‌ای نیست. به روز آوری جاری پالایشگاه‌های روسی موجب افزایش مصرف نفت خام در داخل روسیه شده است که این رقم در آینده نیز رشد خواهد کرد. روسیه در سال ۲۰۱۲، ۲۳۹،۹ میلیون تن نفت صادر کرد و در سال ۲۰۱۳ این رقم تا ۲۳۶،۶ میلیون تن کاهش یافت که در سال جاری بعید است که روند کاهش صادرات متوقف شود. ما در همین حال باید صادرات اسوآپ به چین را (۳۶۰ میلیون تن ظرف ۲۵ سال و معادل حدود ۲۷۰ میلیارد دلار) به عمل آوریم که برای این کار ظرفیت‌های خط لوله انتقال نفت سیبری شرقی - اقیانوس آرام (که یک شاخه این خط لوله به چین منتهی می‌شود) کفایت نمی‌کند. شرکت «ترانس نفت» که صاحب انحصاری خط لوله انتقال نفت روسیه است، تا کنون به دفعات از این امر هشدار داده است. همه این مسایل دشوار، هماهنگی‌های فراوان و بررسی همه مسایل اجرای قرارداد بزرگ نفتی را ایجاب می‌کنند که این کار وقت گیر است.

«پل انرژی» با نمک

ساخت پل انرژی که روسیه پیشنهاد کرد و الکساندر نواک در تهران در این مورد مذاکرات انجام داد، از نظر فنی ساده‌تر است، چنانچه واژه «ساده» به طرح‌های این سطح بالا و با این ابعاد، قابل اطلاق باشد. قرارداد معادل ۸ الی ۱۰ میلیارد دلار در کار است که ناظر بر صدور ۵۰۰ مگاوات نیروی برق روسیه به ایران، ساخت ظرفیتهای نیروگاهی جدید و به روز آوری تقریباً کامل شبکه‌های توزیع نیروی برق ایران است. جلب آذربایجان به این طرح، این قرارداد را با نمک کرده است. ترانزیت انرژی از طریق این کشور صورت خواهد گرفت. ناطق عباسوف معاون وزیر انرژی آذربایجان اطلاع داد که «آذربایجان از نظر فنی مدتهاست که برای آغاز ترانزیت نیروی برق از روسیه به ایران از طریق سرزمین خود آماده شده است. همه خطوط انتقال برق و پست‌های فرعی برای این کار آماده هستند».

اظهارات عباسوف تنها تأیید جدید تحقق پذیری فنی ایجاد پل انرژی نیست. در واقع خطوط انتقال برق آذربایجان و روسیه تا کنون به وسیله شبکه های توزیع برق «دریند» و «یالاما» به هم متصل شده اند. تبادل انرژی بین آذربایجان و ایران از طریق پنج خط ذیل صورت می گیرد: پارس آباد ۱، پارس آباد ۲، آستارا و خطوط ولتاژ بالای ۱۳۲ کیلومتری جلفا و آراز که از خاک جمهوری خودمختار نخجوان می گذرند. این همچنین سیلی جانانه سیاسی به بناگوش واشنگتن است که سرپرست پل دیگر انرژی در فضای شوروی سابق به نام CASA-1000 می باشد. این طرح از حد طرح های بلندپروازانه مشترک، «توافقات اصولی» و سایت زیبا پا فراتر نگذاشته است.

اجرای طرح پل انرژی روسیه - ایران از طریق سرزمین آذربایجان، اثبات فوق العاده نمایان توان اقتصادی روسیه و امکانات تأثیر گذاری نرم آن بر فضای شوروی سابق و نیز نشانه استعداد اجرای تدریجی برنامه های همگرایی اقتصادی با شریک دشواری چون باکو می باشد. کنایه های معنی دار متعدد طرفین ایران و روس در جریان مذاکرات در تهران مبنی بر «امکان ملحق شدن کشورهای دیگر به این طرح» به ما اجازه می دهند احتمال دهیم که محتوای سیاسی قراردادهای فرضی از آنچه که در وهله اول به نظر می آید به مراتب عمیق تر باشد. هم عمیق تر است و هم با مسایل بیشتری توأم است...

مسکو - تهران: فرمول جاری روابط متقابل

فشار دیپلماتیک و اقتصادی خارجی بر تهران و مسکو و مجادله های جدی داخلی در باره جهت گیری های سیاست خارجی که در میان نخبگان سیاسی دو کشور در جریان است، حتی اگر خط شراکت راهبردی را به مخاطره نینداخته باشد، بر سرعت توسعه آن اثر می گذارد. مسایل گفتگو هم در مسکو وجود دارند و هم در تهران که اغماض از این مسایل، رفتار بچگانه سیاسی خواهد بود.

بخشی از نخبگان ایرانی اعتقاد دارند که در حال حاضر اجرای مذاکرات موفقیت آمیز با قسمت غربی گروه ۵+۱ درباره مسایل هسته ای برای جمهوری اسلامی اولویت دارد زیرا به گمان آنها همین امر موجب رفع رژیم تحریم ها خواهد شد. در این شرایط نزدیکی سریع روابط با روسیه که موجب ناراحتی و مخالفت آشکار واشنگتن می شود، می تواند مواضع ایران در مذاکرات را دشوار تر سازد. نمایندگان رسمی دولت آمریکا صریحاً مخالفت خود را با همه تماس های اقتصادی بین مسکو و تهران ابراز کرده و بی پرده اعلام می کنند که گسترش روابط مسکو - تهران می تواند بر سر راه مذاکرات آمریکایی - ایرانی موانع جدی به وجود آورد.

همزمان بخش با نفوذ نخبگان مسکو معتقدند که نزدیکی روابط با ایران در شرایط «سرمای شدید» در روابط روسی - آمریکایی می تواند برای اقتصاد روسیه عواقب منفی به صورت تحریم های غربی به دنبال داشته باشد و باعث انزوای معین مسکو در صحنه بین المللی شود که ایالات متحده و ناتو برای ایجاد آن تلاش می نمایند.

نگرانی های دسته ای از نخبگان روس و ایرانی موجب در هم پیچیدن طومار شراکت راهبردی نمی شود ولی فرمول ذیل را به کرسی می نشاند: امروزه روابط سیاسی بین مسکو و تهران از هر وقت دیگر نزدیک تر است ولی مسایل فنی بر سر راه گام های مشخص در جهت برقراری روابط شراکت وجود دارد. نزدیکی راهبردی روابط مسکو - تهران، پدیده ای اصولاً بازگشت ناپذیر

است زیرا جوابگوی منافع راهبردی عمیق هر دو کشور است. افزون بر آن، این یک روند عینی است که ناشی از مقتضیات توسعه اقتصاد دو کشور در شرایط معاصر و چالش‌های امنیت ملی دو کشور از جمله در بخش انرژی می‌باشد.

ولی سرعت نزدیکی روابط، عامل ذهنی است که در حد زیادی به اوضاع بین‌المللی، شرایط جاری سیاسی، موضع‌گیری نخبگان، «ستون پنجم» روسی که در ماه‌های اخیر در حد زیادی تضعیف شده ولی هنوز نیرومند است؛ ستون پنجم ایرانی که به تدریج توانمندی و اعتماد به نفس کسب می‌کند و به حل و فصل انبوه مسایلی وابسته است که در وهله اول فرعی و کم‌اهمیت به نظر می‌آیند. دستور روز روابط روسی - ایرانی به دو طرح بزرگ اقتصادی ختم نمی‌شود بلکه به مراتب پیچیده‌تر است و ابعاد بیشتری دارد. تأیید راهبرد حل و فصل رژیم حقوقی دریای خزر بدون مشارکت آمریکا، شرکای آن و سایر کشورهای فرامنطقه‌ای که تصمیم در این مورد همراه با کشورهای ساحلی دیگر خزر اتخاذ شد، یکی از نتایج اول نزدیکی روابط روسی - ایرانی شده است. سهم تعیین‌کننده روسیه و ایران در پایان جنگ و برادرکشی در تاجیکستان، درخشان‌ترین نتیجه تعامل روسی ایرانی در تاریخ نوین شده است.

تا دو سال پیش تقریباً کسی باور نمی‌کرد که مسکو و تهران با تشریک مساعی بتوانند جلوی تجاوز آمریکا و متحدانش به سوریه را بگیرند. تا دو سال پیش حتی نمی‌شد این وضع را پیشبینی کرد که ایران و روسیه به طور مستقیم و بر خلاف فشار آمریکایی‌ها مسایل توسعه روابط اقتصادی خود را مورد بحث و بررسی قرار دهند. مسایل فوق‌العاده پیچیده در رابطه با آینده عراق و افغانستان، روند صلح خاور میانه و توسعه اوضاع آسیای مرکزی هنوز در پیش است. جان کلام، تحولات ژرف و عمیق در روابط روسی - ایرانی شروع شده است که فایق آمدن بر اشکالات فنی در روابط بین دو کشور تنها مسأله زمان است.

روسیه در مبارزه خود با تحریم ها به تجربه ایران احتیاج دارد

در پی ملاقات آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان با صاحب کاخ سفید اعلام شد که اگر تا پایان ماه جاری اوضاع اوکراین با ثبات نشود، طرفین برای اعمال تحریم های جدید علیه روسیه آمادگی دارند. باراک اوباما در جریان کنفرانس خبری مشترک با مرکل اظهار داشت که اگر مسکو از برگزاری انتخابات ۲۵ ماه می ریاست جمهوری اوکراین ممانعت کند، متحدان حاضرند تحریم های مكملی اعمال کنند. در حال حاضر کمیسیون اروپایی مشغول اجرای رهنمود های کاخ سفید و طراحی به اصطلاح فاز سوم



تحریم ها می باشد. کرملین با خویشتن داری واکنش از خود نشان داده و زیر بار چالش آغاز جنگ اقتصادی متقابل نمی رود. طرفین خسارات احتمالی را محاسبه کرده و به پیش بینی های تأثیر منفی تحریم ها بر اقتصاد روسیه مراجعه می کنند. تا کنون بی سابقه ترین نمونه فشار اقتصادی غرب، ایران بوده است که تجربه مقاومت آن برای ما از اهمیت فوق العاده ارزنده عملی برخوردار می گردد.

تحریم ها به عنوان وسیله تضعیف کشورهای «سرکش»

در رابطه با تهران تحریم ها مانند سابق مهم ترین استدلال خصمانه واشنگتن می باشد. طیف تحریم های اقتصادی وسیع است و شامل تدابیری اعم از کنترل صادرات فناوری های بالا تا تحریم نفتی و مسدود کردن پرداخت های بین المللی است. در حال حاضر چهار قطعنامه حاوی تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم های متعدد یکجانبه آمریکا که اتحادیه اروپا از بسیاری از پارامتر های آنها پشتیبانی کرده است، علیه ایران اعمال می شود. روسیه همیشه بر این اعتقاد بوده است که همه تحریم ها غیر از تحریم های شورای امنیت، نامشروع است و به مذاکرات درباره برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران لطمه می زند. با این وجود، از نظر دولت آمریکا تنها فشار اقتصادی بی سابقه بر ایران باعث شده است که مسئولین ایرانی به انعقاد معامله هسته ای علاقه مند شوند. رئیس جمهور آمریکا با یک نوع افتخار در این مورد خاطرنشان کرد: «ما رژیم بی سابق تحریم های اقتصادی را به وجود آورده و امکان دریافت سود از صدور نفت را برای ایران منتفی کرده ایم. طی این مدت اقتصاد ایران بیش از ۵۰٪ خود را از دست داده است». باراک اوباما معتقد است که آینده در حد زیادی به رفتار ایران بستگی دارد ولی «از نظر شیوه عمل تاکتیکی بسیار مهم است که ایرانیان را مورد امتحان قرار دهیم». کاخ سفید با وجود پیشرفت موفقیت آمیز مذاکرات درباره برنامه هسته ای ایران و سوسه زیادی دارد پایداری و استقامت دیپلماسی جدید ایران را مورد آزمایش قرار دهد.

وزارت دارایی ایالات متحده در شرایط تمایل صادقانه مقامات ایران به بستن پرونده هسته ای در مذاکرات با گروه ۵+۱، علیه بعضی شرکت ها و اشخاص حقیقی ایران تدابیر سرکوب گرانه جدیدی اعمال کرد. قبل از آن پرزیدنت اوباما قانون درباره

تشدید یکجانبه تحریم های اقتصادی علیه ایران را امضا کرده بود که این قانون هنوز لغو نشده است. پارامتر های اساسی فشار اقتصادی بر تهران دست نخورده باقی مانده است. ایالات متحده مانند سابق در راه رعایت تحریم صادرات نفتی ایران که توسط آمریکا و اتحادیه اروپا اعمال شد، مبارزه خواهد کرد. منع برقراری روابط بازرگانی تقریباً با تمام بخش نفتی ایران و شرکت های کشتی رانی و بیمه آن برای تجار آمریکایی به قوت خود باقی مانده است. موانع از سر راه همه معاملات مالی متحدان و اشنگتن با مؤسسات مالی ایرانی و از جمله با بانک مرکزی ایران، از جمله تجارت اوراق بهادار و طلا، پا بر جا باقی مانده است.

همانطور که می بینیم، شدید ترین تحریم های بازرگانی و مالی - اقتصادی که کشورهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده بدون موافقت شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران اعمال کردند، به قوت خود باقی مانده و از طرف آمریکایی ها شدت می یابد. پرزیدنت اوباما برای واکنش به پیشنهادهای ایران در جریان مذاکرات درباره مسأله هسته ای طرح خاصی دارد. او اعتقاد محکمی دارد که گذشت های آمریکا نباید به تحریم ها لطمه بزند زیرا سیاست خارجی ایالات متحده بدون تحریم ها تصور ناپذیر است. نمونه ایران نشان می دهد که تحریم های آمریکایی تاریخچه طولانی دارد. می توان گفت که تحریم ها زندگی خاص خود را دارند و جزء لاینفک رویارویی ایران با آمریکا و متحدانش می باشند.

بدون تردید، اجرای تحریم های ضد ایرانی که در ماه های اول پیروزی انقلاب اسلامی (که نفوذ در ایران را از کاخ سفید سلب کرد) به وجود آمد، حتی برای یک روز متوقف نشد. همین امر که ایران اسلامی تحت فشار اقتصادی استقامت کرده و موفق شد بر خلاف ممنوعیت ها و محدودیت هایی که توسعه آن را کند می کنند، در میان رهبران منطقه ای باقی بماند، مهمترین نشانه کارایی پایین تحریم های آمریکایی به طور کلی و مهارت ایران در دور زدن این تحریم ها می باشد. البته، اگر تحریم ها نبود، جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر از نظر اقتصادی و نظامی به مراتب قوی تر بود. مسکو هم نباید هیچ تردیدی داشته باشد که کارزار آمریکایی در جهت وادار کردن متحدان اروپایی به حمایت از جنگ اقتصادی علیه روسیه، هدف راهبردی تضعیف روسیه را دنبال می کند.

اوکراین تنها بهانه ای برای اعمال تحریم هاست

آمریکایی ها ضمن مسکوت کردن شکست خود در کریمه که مانعی بر سر راه راهبرد آمریکایی مبنی بر بازدارندگی از روسیه در نزدیکی مرزهای روسیه ایجاد کرد، در تلاش خود برای منزوی کردن مسکو از گزینه های مختلف ادامه رویارویی امتناع نمی کنند. واشنگتن همیشه از همین روش علیه ایران استفاده کرده و می کند و این کشور را مطرود بین المللی اعلام کرده است. برنامه هسته ای تهران برای آمریکا فقط بهانه ای است که جامعه بین المللی را به طرف خود جلب کند. دیپلماسی آمریکایی به همین منظور به بحث مغرضانه درباره حمایت ایرانیان از تروریسم و نقض حقوق بشر ادامه می دهد. دروغ و هیستریا در ارزیابی تمایلات ایران، به پدیده ای جا افتاده در رسانه های گروهی غربی تبدیل شده است. آمریکایی ها می خواهند که مقامات ایرانی برای آنها نه طرف برابر گفتگو بلکه مهره های دست نشانده مطیعی باشند.

اکنون آنها در اوکراین به مراد خود می رسند. واشنگتن در این کشور گروه نامشروعی را به قدرت رسانده است که از جنگ با ملت خود نیز روگردان نمی شوند. بحث درباره رعایت حقوق بشر در شرایط جنایات خونین کی یف و کشته و معلول شدن صدها نفر از اوکراینی های مخالف رژیم، بی معنی می باشد. این کار بر اساس سناریوهای آمریکایی انجام می شود. ایالات متحده موفق نشد در ایران هیچ یک از این کار ها را بکند. جمهوری اسلامی در طول سالهای بعد از انقلاب به لحاظ بسیاری

از جنبه های سیاست، امنیت و دفاع به نیرومند ترین دولت خاور میانه با نفوذ قابل توجه بین المللی تبدیل شده است که هم دوستان تهران به این واقعیت اعتراف می کنند و هم دشمنان. ایران ایستادگی کرده و کسی نتوانسته است این کشور را به تسلیم واداشته و منزوی نماید. نمونه ایران از این نظر فوق العاده آموزنده است که آمریکا و مهمترین متحدان آن درباره قدرت تام خود اشتباه می کنند.

پس از آنکه گروه ۷ بزرگ خروج خود را از گروه ۸ اعلام کرد، شعاری درباره افتادن روسیه به حالت انزوای بین المللی به گردش انداخته شد. آمریکایی ها سعی کردند ضمن رأی گیری در مجمع عمومی سازمان ملل این ادعای دروغین را به کرسی بنشانند. ولی دوباره تیرشان به سنگ خورد. ایران و ده ها کشور دیگر از محکوم کردن مسکو خودداری کردند. در این رابطه سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه فدراسیون روسیه برای واشنگتن یادآوری کرد که «انزوا، اصطلاحی است که توسط شرکای غربی ما اختراع شده است که سعی می کنند بر اساس ادعاهای ناشی از دلتنگی برای امپراطوری رفتار کنند. هر موقعی که چیزی باب طبع آنها نباشد، فوراً به چماق تحریم ها دست می برند. ولی زمان این شیوه عمل گذشته است». البته غرب از سلطه جویی خود دست نمی کشد و علاوه بر تحریم ها به طور وسیع به روش های دیگر فشار مانند پیچاندن دست، شانناژ و تهدید متوسل می گردد. لذا تعداد کشورهایی که از تحریم های یکجانبه آمریکایی پشتیبانی می کنند نباید کسی را گمراه کند. جامعه بین المللی از تلاش های کاخ سفید برای معرفی روسیه به عنوان مقصر جریانات در اوکراین حمایت نمی کند. تنها اقمار آمریکا طرف واشنگتن را گرفته اند در حالی که حتی در سطح ملی کشورهای عضو ناتو اتفاق نظر وجود ندارد.

در میان آنهایی که به تدابیر آمریکا ملحق شدند، همیشه کشورهای زیادی وجود دارند که مجبورند با صدای بلند حمایت خود را از آمریکا اعلام کنند ولی از وسایل حقیقی تاثیرگذاری بر اقتصاد روسیه یا ایران برخوردار نیستند. برای مثال جمهوری مولداوی به تحریم های اتحادیه اروپا علیه روسیه پیوسته است. ولی در این کشور گرایش سیاسی دولت حتی در نام نهاد سیاست خارجی - «وزارت امور خارجه و همگرایی اروپایی» - ذکر شده است. تمام دیپلماسی مقامات رسمی کیشینف بر مبنای ضد روسی برقرار می شود که خواب و رؤیای عضویت در ناتو هم در همین ردیف قرار دارد. تصمیم لتونی و کانادا مبنی بر متوقف کردن همکاری نظامی با روسیه در همین راستای «جنون تحریم» قرار دارد. ایران هم می داند که کانادا همیشه سعی می کند در «یورش تحریمی» از آمریکا هم سبقت بگیرد. تهران همیشه به همه یورش های خصمانه در حق خود پاسخ شدیدی می دهد. به نظر می آید که مسکو هم برای کیشینف و ریگا پاسخی دارد زیرا آنها در حد زیادی به برکت روابط اقتصادی با روسیه و نه آمریکا و اروپا زنده می مانند.

اتحاد با ایران در جواب به تحریم ها لازم است

دولت آمریکا در شرایط بحران اوکراینی ایران را به عنوان کشوری معرفی می کند که در صدد است از اختلاف نظر ها بین روسیه و آمریکا به نفع خود استفاده کند. دروغ پردازی ها درباره آمادگی تهران برای تحریک سقوط قیمت های نفت به ضرر روسیه و جایگزینی گاز روسی در اروپا پخش می شود. واشنگتن حقیقتاً از احتمال تدابیر متقابل کرملین در محور ایرانی ترسیده و سعی می کند از چرخش قاطعانه مسکو به سوی تهران پیشگیری بکند.

روسیه در شرایط تشدید مناسبات با غرب باید در زمینه امنیت جهانی شرکای جدید خود را پیدا کند که ایران می تواند به چنین شریکی تبدیل شود. کاخ سفید با عنایت به احتمال عضویت اوکراین در ناتو، بر این اعتقاد است که ولادیمیر پوتین در

صدد است نظم نوین جهانی را ایجاد کند که در آن اصل انتخاب آزاد پیمان ها توسط کشورها نفی شود. سناریوی آمریکایی تا کنون نوشته شده و شامل پذیرش اوکراین، مولداوی، گرجستان و آذربایجان به ناتو است. واشنگتن ضمن محاصره نظامی روسیه و ایجاد تکیه گاه های جدید خود در نزدیکی مرز های روسیه از آزادی خود برای «انتخاب پیمان ها» دفاع می کند. پیمان راهبردی روسیه و ایران واشنگتن را به احساس کردن تبعات ماجراجویی اوکراینی خود دور از حدود اروپای شرقی وادار خواهد کرد. بهتر است که به جای «تلافی جویی ژئوپلیتیکی از آمریکایی ها»، درباره دفاع پیگیرانه از منافع ملی روسیه در چارچوب ائتلاف با کشوری صحبت کنیم که احتیاج به رهایی از فشار ایالات متحده را احساس می کند.

آمریکایی ها سناریویی جز مخالفت کینه توزانه با همکاری روسی - ایرانی ندارد زیرا دو کشور زیر بار فشار آمریکا نمی روند و اجازه نمی دهند که با آنها از مواضع زور صحبت کنند. اولین کاری که مسکو احتمالاً می تواند در این رابطه انجام دهد، سلب اهرم های اعمال فشار بر تهران از دست کاخ سفید و ویرانی ساختار آمریکایی تحریم های ضد ایرانی است. روسیه فقط پای تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد صحنه گذاشت ولی تحریم های یکجانبه آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای دیگر را که تحت فشار آمریکا صادر شد، نامشروع می داند. بر همین اساس بازگشت روسیه به همکاری های تمام عیار نظامی فنی با تهران از هر نظر موجه است. صدور فوری حد اقل چهار دستگاه اس-۳۰۰ به ایران (که این سامانه دفاعی مشمول تحریم های سازمان ملل نیست)، از این نظر گامی مؤثر و معقولانه خواهد بود. باید بالاخره از خود سؤال کنیم که چرا آمریکایی ها به ده ها کشور جهان و از جمله به عربستان سعودی سلاح های معادل ده ها میلیارد دلار تحویل می دهد در حالی که مسکو از اجرای تعهدات خود در برابر تهران در زمینه همکاری نظامی فنی می ترسد؟ هنوز از چیزی یا کسی واهمه دارد؟ بالاخره واضح و روشن است که امتناع از اجرای قرارداد درباره اس-۳۰۰ با ایران نه تنها به ما هیچ سودی نداده بلکه برای روسیه خسارات عظیم اخلاقی و اعتباری به بار آورده است. نمونه اوکراین به طور بسیار قانع کننده ثابت کرد که سیاست خصمانه ضد روسی آمریکایی تغییر نمی کند.

تقریباً هر روز بانک ها و شرکت های جدید روسی در لیست گسترش یافته تحریم های غرب گنجانده می شوند. در ایالات متحده در بالاترین سطح با صدای بلندتر اعلام می شود که باید سازمان های مالی روسی را از دسترسی به بازارهای مالی غرب محروم کرد؛ تحریم هایی علیه بخش های کلیدی اقتصاد روسیه اعمال کرد و حتی از زمین نشستن هواپیما های شرکت «ارفلوت» در فرودگاه های آمریکایی ممانعت نمود. این کیفیت تفکر راهبردی سیاستمداران آمریکایی است. اثری از برقراری روابط شراکت برابر با مسکو نیست. کاخ سفید جنگ اقتصادی خود را علیه روسیه شروع کرده است. نوار خبرها به مجموع گزارش ها در باره اقدامات خصمانه آمریکا تبدیل شده است: ایالات متحده همکاری با روسیه در زمینه فضایی را متوقف می کند؛ همکاری در زمینه اتم صلح آمیز را به حال تعلیق در آورده است؛ ورود به آمریکا بر فیزیکدانان روس ممنوع شده است؛ آمریکایی ها همکاری با فدراسیون روسیه در زمینه مبارزه با مواد مخدر را به حال تعلیق در آورده است و غیره. واشنگتن تقریباً هر روز به تشدید فشار بر مسکو دعوت می کند. تردیدی نیست که آمریکایی ها اهداف اقتصادی خود را دنبال می کنند. ایالات متحده در شرایط جاری از تحریم ها بیشتر از فشار سنتی دیپلماتیک، عملیات سرویس های ویژه، عملیات جنگی و هشدار از توسل به زور استفاده می کند. ایران در این زمینه از تجربه موفقیت آمیز مقابله با فشار غرب برخوردار است که این تجربه باید مورد تقاضای مسکو قرار گیرد.

روسیه - ایران احیای همکاری نظامی فنی

همانطور که اکثراً اتفاق می افتد، مهمترین بیاناتی که تصویر نظم جهانی شکل گرفته را تغییر می دهند، ظاهر کوتاه و پیش پا افتاده ای دارند. بیانیه سرگئی شویگو و حسین دهقان وزیران دفاع روسیه و ایران مبنی بر اینکه «روسیه و ایران با عنایت به اوضاع سیاسی که در جهان به وجود آمده است، به توسعه همکاری های نظامی و نظامی فنی ادامه خواهند داد» که هفته گذشته در جریان ملاقات دوجانبه آنها در قالب کنفرانس بین المللی امنیت در مسکو بیان شد، به یک خبر هیجان انگیز واقعی تبدیل گردید.



می توان با اظهارات آقای حسین دهقان موافقت کرد که این رویداد را به عنوان ارتقای همکاری روسی - ایرانی به سطح اصولاً جدیدی ارزیابی کرد. از طرف خود اضافه می کنیم که اولاً محافل میهن دوست روسیه و ایران مدتهاست که در انتظار این ارتقا به سطح جدید هستند زیرا شراکت راهبری بین دو کشور را ضمانت امنیت منطقه ای و بین المللی می دانند. ثانیاً، پیشرفت جهشی حاصل شده که وزیران دفاع بدان اشاره کردند، در شرایط تهدیدها و چالش هایی که غرب برای مسکو و تهران ایجاد می کند، بیش از هر چیز دیگر مبرم و حیاتی است.

امیدهای بعضی محافل سیاسی روسیه و ایران به اینکه بتوان در سیاست خارجی با ایالات متحده و متحدانش در ناتو به توافقات اصولی دست یافت، نقشه بر آب شده است. افزون بر آن، کشورهایی که غرب را انتخاب کرده و می کنند، با خون و بی ثباتی تاوان این انتخاب را می دهند. به نقشه های خاور میانه، آسیای مرکزی و آفریقا از لیبی تا نیجریه نگاه کنیم تا ببینیم که هیچ یک از دولت هایی که داوطلبانه یا بالاجبار در منطقه منافع حیاتی ایالات متحده و ناتو گنجانده شدند، از ضمانت های ثبات و امنیت برخوردار نیستند. به ظاهر، باید از این واقعیت نتیجه روشنی گرفت که «نجات غریق در دست خود غریق است». اگر بخواهیم ثبات و امنیت را تأمین کنیم، باید به طور مستقل از طریق تشکیل بلوک های منطقه ای و ساختارهای دیگر در سطح گفتگوی منطقه ای مسایل خود را حل کرده و بدون جلب «دکترهای ژئوپلیتیک» آمریکایی و اروپایی مناقشات و نقاط درد خود را شفا بخشیم. در غیر این صورت «هرج و مرج هدایت شده» و سازمان های تروریستی و جدایی طلبی در انتظار ما خواهند بود که مثل قارچ بعد از باران روی صحنه «سبز می شوند». در نتیجه، تحریم های فلج کننده یا ارباب همیشگی با خطر اعمال این تحریم ها، انقلاب های رنگین و بمباران های انسان دوستانه در انتظار ما خواهند بود.

حزب سیاسی «بلوک مسلح» روسی جنب رئیس جمهور

بعد از ملاقات وزیران دفاع در مسکو از هیچ توافقات مشخصی اطلاع داده نشد. احتیاجی به این امر نبود زیرا وزیران دفاع و کشور روسیه مدت ها قبل از آنکه خود دولت روسیه بیدار شود و دست به اقدامی بزند، به اجرای برنامه های شراکتی با ایران مبادرت ورزیده بودند.

در جریان سفر سال گذشته ولادیمیر کولوکولتسف وزیر کشور روسیه به تهران، وی و مصطفی محمد نجار همتای ایرانی وی رسماً اعلام کردند که مشکلات امنیتی ایران و روسیه نه تنها خصلت مشترک بلکه منافع مشترک دارند. قاچاق مواد مخدر از افغانستان، سیلاب قاچاق که پیرامون آن جوامع پایدار جنایی تشکیل شده اند؛ موج افراطی گری و تروریسم که آسیای مرکزی را فرا می گیرد، همگی تنها فهرست کوتاهی از تهدیدها در چالش هایی هستند که دو کشورمان را با هم متحد می نمایند.

در گذشته نیز دو کشورمان اشتراک این مسایل را می شناختند. ولی برای اولین بار در چنین سطح بالایی اعلام شد که روسیه و ایران اهداف اساسی این تهدیدها و آماج غایی بی ثباتی منطقه ای هستند که از خارج تحریک می شود. در حالی که سیاستمداران روس در گذشته ضمن شناسایی وجود این تهدیدها معمولاً تأکید می کردند که روسیه می تواند به تنهایی یا با مساعدت «جامعه بین المللی» انتزاعی این مسایل را حل کند، یک سال پیش برای اولین بار گفته شد که روسیه نمی تواند بدون همکاری تنگاتنگ با ایران امنیت خود را در «محور جنوبی» تأمین کند.

امضای موافقتنامه ای که مرکز مطبوعاتی وزارت کشور روسیه آن را «پیمان حقوقی» بین دو نهاد مربوطه روسیه و جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرد، نتیجه سفر سال گذشته بود. طرفین در چارچوب این موافقتنامه درباره طراحی تدابیر مشخص همکاری در زمینه پاسداری از مرز، ایجاد پایگاه واحد داده ها درباره یک سری مسایل، طراحی مکانیزم همکاری های روزمره و تبادل تجربیات عملی بین پلیس دو کشور و حتی برگزاری نمایشگاه های وسایل فنی و دوره های کارآموزی کارکنان به توافق رسیدند.

سفر سرلشگر ولادیمیر بوندارف فرمانده کل نیروی هوایی روسیه به ایران در سال ۲۰۱۳ به همین اندازه مهم و معنی دار بود. در همان زمان امیر سرتیپ ستاد فرزند اسماعیلی فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا ضمن واگذاری کپی پهپاد آمریکایی ScanEagle (این پهپاد اکنون در ایران روی خط تولید گذاشته شده و به رده تسلیحات پیوسته است) به سرلشگر ویکتور بوندارف فرمانده نیروی هوایی روسیه اظهار داشت: «این پهپاد که روی خط تولید گذاشته شده است، مظهر توانمندی های فنی جمهوری اسلامی ایران است. نمونه ای که امروز در اختیار مهمان بلندپایه ما گذاشته می شود، هدیه دوستانه ما به نیروی هوایی روسیه و ملت روس می باشد». ولی هر هدیه شرقی کاسه ای زیر نیم کاسه دارد. در پهپادی که تسلیم طرف روس شد، برداشت ایران از چگونگی ادامه همکاری نظامی فنی با روسیه پنهان شده است.

فرمانده نیروی هوایی روسیه چند پیشنهاد کاملاً مشخص دریافت کرد. قبل از همه طرف ایرانی برگزاری دوره های کارآموزی خلبانان نظامی روس در ایران را پیشنهاد کرد که به عقیده طرفین در این صورت خلبانان نیروی هوایی روسیه بر فعالیت در شرایط خاور میانه که مملو از سامانه های فنی ضد هوایی ساخت آمریکا و اسرائیل است، مسلط خواهند شد.

طرف ایرانی به فرمانده کل نیروی هوایی روسیه سامانه فعال رصد کردن اوضاع عملیاتی خلیج فارس را نشان داد که مجموعه پیچیده ای از وسایل اطلاعاتی فنی و کپی های پهپاد آمریکایی ScanEagle است که یکی از آنها در اختیار روسیه گذاشته شد. البته با هدف مشخصی این سامانه را نشان دادند. اولاً، به روسیه پیشنهاد شد در تکمیل این جهاز شرکت کند و ثانیاً، در روز آوری این پهپاد و تولید مشترک روسی - ایرانی آن شریک شود. در شرایطی که پهپاد های آذربایجان که بر اساس فناوری اسرائیلی ساخته می شوند، به پروازهای دور خزر پرداخته و در آینده آماده می شوند تا «از امنیت خطوط لوله خزر دفاع کنند»، این پیشنهاد فوق العاده به موقع است.

درباره مبرم بودن همکاری

در واقع، بررسی شرکت روسیه در به روز آوری تعدادی از انواع جنگ افزار هوایی و موشکی ایران، رویداد کلیدی این سفر بود. پیشنهادهای طرف ایرانی به روسیه علاوه بر ضرورت مبرم به روز آوری هواپیماهای «میگ» نیروی هوایی ایران، شامل اجرای طرح های مشترک در زمینه بالگرد سازی، موشک سازی و طراحی سامانه های اطلاعاتی فنی بود. ایران صریحاً اعلام کرد که به روسیه سطح اصولاً جدید همکاری نظامی فنی را پیشنهاد می کند و آن اجرای پژوهش های علمی و طرح های تجربی مشترک است که روسیه قبل از آن فقط با چین داشته است.

شماری از کارشناسان بر این اعتقاد هستند که همکاری نظامی فنی یا تهران که پیشبینی می شود، امری سودآور ولی یکجانبه بوده و فقط در زمینه فروش جنگ افزار متمرکز خواهد شد. ولی این برخورد نه تنها باب طبع طرف ایرانی نیست بلکه از نظر راهبردی اشتباه است.

بر طبق یک دیدگاه، توافقات میان شویگو و دهقان فقط با تیرگی روابط روسی - آمریکایی به خاطر «بحران اوکراین» ارتباط دارد. این دیدگاه سطحی است زیرا همانطور که در فوق اشاره شد، طراحی توافقات جدی در سطح مسئولین نظامی و انتظامی روسیه و ایران مدت ها قبل از پخش شدن خبر «میدان اروپایی» شروع شده بود.

مسأله همکاری روسی - ایرانی در زمینه نظامی باید قبل از همه در چارچوب سیاست امنیت در نظر گرفته شود که مسکو به طور منظم و بدون سر و صدای تبلیغاتی در شرق و قبل از همه در چارچوب اتحادیه گمرکی و سازمان پیمان امنیت جمعی دنبال می کند. صادرات قابل توجه تسلیحات به قرقیزستان و تاجیکستان، احیای سامانه واحد ضد هوایی در مرزهای جنوبی و جان تازه تأسیسات پدافند هوایی و فضایی روسیه در سرزمین جمهوری های متحده مانند سامانه «اکنو» در تاجیکستان (مجمع بصری و الکترونیکی رصد فضای کیهانی در نورک) و میدان نظامی «ساری شاگان» در قزاقستان (تنها میدان طراحی و آزمایش سلاح های ضد موشکی در اورآسیا که در مناطق قره قنده و جانبول واقع شده است)، همگی اجزای یک برنامه جامع را تشکیل می دهند. روسیه در عمل مسئول امنیت نظامی منطقه آسیای مرکزی می شود و همزمان به همگرایی نظامی با اعضای بالفعل (قزاقستان) و بالقوه (قرقیزستان) اتحادیه گمرکی محتوای واقعی می بخشد. روسیه ضمن اجرای این برنامه درصدد است بیش از پیش با ایران همکاری کند که بدون مشارکت آن نمی توان مسایل امنیت را حل نمود.

از سوی دیگر، ایران مدتهاست که از سطح خریدار ساده تسلیحات گذشته است که موفقیت های ایران در زمینه فناوری های موشکی و فناوری های دیگر و از جمله دومنظوره بر این واقعی گواهی دارد. تهران می خواهد نقش نه فقط خریدار سلاح های روسی را ایفا کند (که البته این اقدام از نظر سیاسی بسیار بر اهمیت است) بلکه در زمینه طراحی علمی و به روز آوری تسلیحات شراکت برابری داشته باشد. بنا به پیشنهاد نظامیان ایرانی قرارداد کذایی درباره اس-۳۰۰ که بر شراکت ما سایه افکنده است، می تواند به صورت جدیدی در آید: طرف ایرانی فهماند که البته از خرید سامانه موشکی ضد هوایی «آنتی - ۲۵۰۰» خودداری نمی کند ولی همزمان به روسیه پیشنهاد نمود در نوسازی سامانه های موجود ایرانی S-200 شرکت کند که در حقیقت امر کپی S-300PS روسی است که ایران در سال ۱۹۹۳ از روسیه خرید.

همکاری نظامی فنی که توسط وزیران دفاع روسیه و ایران اعلام شد، هم برای مسکو و هم برای تهران ضرورتی مبرم است زیرا اندیشه ساده ذیل به ذهن حتی مردم عادی و ناآگاه به سیاست خطور کرده و آن این است که روسیه و ایران بدون شراکت تنگاتنگ و تعامل در زمینه های مختلف اعم از اقتصاد تا امور دفاعی و مبارزه با بزه کاری بین المللی، خسارات جدی متحمل خواهند شد. دو کشورمان با تشریک مساعی موفق شدند یک کار تقریباً محال انجام دهند و جلوی تجاوز غرب به سوریه را گرفته و در مبارزه دمشق با تجاوز خارجی تحول ریشه ای به عمل آورند. ولی چالش ها و تهدیدهای جدید از طرف غرب برای دو کشورمان روز به روز بیشتر می شوند و لذا همکاری دفاعی روسی - ایرانی که دربرگیرنده جنبه های فنی نیروی هوایی و ضد هوایی و جنبه گسترده تر تشکیل سامانه امنیت منطقه ای با مشارکت فعال تهران در برنامه های سازمان پیمان امنیت جمعی است، امروزه مبرم ترین مسأله مناسبات دوجانبه و پاسخ مناسبی به تهدیدهای مشترک خارجی می باشد.

